

به نام خدا



# دییآچہ برن رویکردہای فمینیسے ای جامعہ شناسے

(ویراست سوم)

نوشتہ:

پاملا آبوت، کلر والاس، ملیسا تایلر

ترجمہ:

دکتر منصورہ زارعان

(عضو ہیئت علمی دانشگاہ الزہرا<sup>(س)</sup>)

خدیجہ برزگر





# دیباچه‌ای بر جامعه‌شناسی رویکردهای فمینیستی

نوشته:

پاملا آبوت، کلروالاس، ملیسا تایلر

ترجمه:

دکتر منصوره زارعان

(عضو هیئت علمی دانشگاه الزهراء (س))

خدیجه برزگر

ناشر:

انتشارات دانشگاه الزهراء (س)

طراحی صفحات:

کارگاه گرافیک فرگاهی

نوبت چاپ: یکم، ۱۳۹۷

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۱۱۴-۰۶-۶

قیمت: ۶۵۰۰۰ تومان

سرشناسه: ابوت، پاملا، ۱۹۴۷ - م. Abbott, Pamela

عنوان و نام پدیدآور: دیباچه‌ای بر جامعه‌شناسی رویکردهای فمینیستی / نوشته پاملا آبوت، کلروالاس، ملیسا تایلر؛ ترجمه منصوره زارعان، خدیجه برزگر.

مشخصات نشر: تهران: دانشگاه الزهراء (س)، انتشارات، ۱۳۹۷.

مشخصات ظاهری: ۷۳۰ ص. شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۱۱۴-۰۶-۶

وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا

یادداشت: عنوان اصلی:

An introduction to sociology: feminist perspectives, 3<sup>rd</sup> ed, 2005.

یادداشت: کتاب حاضر نخستین بار تحت عنوان «مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی (نگرش‌های فمینیستی)» با ترجمه مریم خراسانی و حمید احمدی توسط دنیای مادر در سال ۱۳۷۶ منتشر شده است. یادداشت: کتابنامه: ص. ۶۸۹ - ۷۳۰.

عنوان دیگر: مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی (نگرش‌های فمینیستی).

موضوع: فمینیسم -- نگرش | موضوع: Feminist theory

موضوع: جامعه‌شناسی -- فلسفه | موضوع: Sociology -- Philosophy

موضوع: جامعه‌شناسی -- روش‌شناسی | موضوع: Sociology -- Methodology

شناسه افزوده: والاس، کل | شناسه افزوده: Wallace, Claire

شناسه افزوده: تایلر، ملیسا، ۱۹۷۲ - م. | شناسه افزوده: Tyler, Melissa

شناسه افزوده: زارعان، منصوره، ۱۳۴۴ - م. مترجم

شناسه افزوده: برزگر، خدیجه، ۱۳۶۰ - م. مترجم

شناسه افزوده: دانشگاه الزهراء | شناسه افزوده: Alzahra University

رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۷ م ۲م الف/ HQ119۰

رده‌بندی دیویی: ۳۰۱/۰۱

شماره کتابشناسی ملی: ۵۲۴۸۳۱۲

مراکز پخش:

ونک، دانشگاه الزهراء (س) تلفن: ۸۵۶۹۲۷۶۹ - ۴۸۹۳۳ - ۸۸۰

بلوار کشاورز، نبش ۱۶ آذر، انتشارات دانشگاه الزهراء (س)

وبگاه فروش اینترنتی: <http://research.alzahra.ac.ir>

کلیه ی حقوق برای دانشگاه الزهراء (س) محفوظ است.

# فهرست مطالب

۱	پیش‌گفتار (مترجمان)
۵	پیش‌گفتار (نویسندگان)
۱۵	فصل اول: مقدمه؛ فمینیسم و تخیل جامعه‌شناختی
۱۷	فرایند پیشرو
۲۳	تخیل جامعه‌شناختی جنسیت محور
۲۵	ایدئولوژی‌های تفاوت جنسی
۲۹	تمایز جنس و جنسیت
۳۲	نقد فمینیستی جامعه‌شناسی مرد محور
۳۵	به سمت جامعه‌شناسی فمینیستی
۳۹	نتیجه

۴۱	<b>فصل دوم: نظریه فمینیستی جامعه‌شناسی</b>
۴۴	رویکردهای فمینیستی و جامعه‌شناسی
۴۶	دعوت به جامعه‌شناسی فمینیستی
۴۸	بینش جامعه‌شناسی
۵۲	بستر تاریخی جامعه‌شناسی
۵۵	نظریه و نظریه‌پردازی
۵۹	اثبات‌گرایی
۵۹	آرمان‌گرایی
۶۰	واقع‌گرایی
۶۰	پسامدرنیسم
۶۲	نظریه فمینیستی
۶۵	مناظرات فمینیستی در مورد تفاوت جنسی
۶۵	انسان‌گرایی
۶۶	زن‌گرایی
۶۷	پسامدرنیسم
۶۷	فمینیسم انتقادی
۶۸	رویکردهای نظری فمینیستی
۶۸	نظریه فمینیستی لیبرال / اصلاح طلب
۷۱	فمینیسم رادیکال
۷۶	فمینیسم مارکسیسم
۷۹	نظریه نظام‌های دوگانه
۸۳	فمینیست پسامدرن
۹۰	نظریه انتقادی فمینیستی
۹۵	فمینیسم سیاه و پسااستعمار
۱۰۲	پسافمینیسم
۱۰۴	پسافمینیسم به مثابه یک برهه تاریخی
۱۰۶	پسافمینیسم به مثابه رویکردی نظری
۱۱۰	نتیجه

۱۱۳	<b>فصل سوم: قشربندی و نابرابری</b>
۱۱۹	قشربندی جنسیت محور
۱۱۹	نابرابری های جنسیتی
۱۲۲	توضیحات ساختارگرا
۱۲۴	توضیحات پساساختارگرایان
۱۲۷	قشربندی طبقه محور
۱۲۸	تحلیل جامعه شناختی و طبقه اجتماعی
۱۲۹	رویکردهای مارکسیستی در مورد طبقه
۱۳۰	رویکردی وبری در مورد طبقه
۱۳۲	نظام طبقه در بریتانیا
۱۳۴	زنان و طبقه اجتماعی
۱۳۷	نژاد، قومیت و قشربندی
۱۳۹	رویکردهای جامعه شناسانه در مورد نابرابری نژادی
۱۴۰	رویکردهای وبری در مورد نابرابری های نژادی
۱۴۱	رویکردهای نئووبری در مورد نابرابری های نژادی
۱۴۲	رویکردهای فمینیستی در مورد نابرابری های نژادی
۱۴۵	معلولیت و قشربندی
۱۴۶	الگوی اجتماعی معلولیت
۱۴۹	ناتوانی، هویت و تفاوت
۱۵۰	رویکردهای فمینیستی در مورد معلولیت
۱۵۳	قشربندی جهانی
۱۶۳	نتیجه

۱۶۵	<b>فصل چهارم: آموزش</b>
۱۷۱	پیشرفت های آموزشی دختران
۱۷۸	تاریخچه آموزش و پرورش دختران در بریتانیا
۱۸۴	تبیین محرومیت پایدار دختران
۱۹۷	نابرابری های جهانی در سواد و آموزش
۲۰۰	رویکردهای فمینیستی در مورد آموزش
۲۰۰	رویکردهای فمینیسم لیبرال

۲۰۰	تحلیل فمینیسم رادیکال از تحصیل
۲۰۲	رویکردهای فمینیستی مارکسیستی و سوسیالیستی
۲۰۵	رویکردهای فمینیست‌های سیاه در مورد آموزش
۲۰۹	مردان و آموزش
۲۱۱	نتیجه

## ۲۱۳ فصل پنجم: دوره‌های زندگی

۲۱۶	دوران کودکی
۲۱۷	تجارب جهانی از دوران کودکی
۲۲۲	وضعیت در حال تغییر دوران کودکی در جوامع غربی
۲۲۷	دوران کودکی در بریتانیای معاصر
۲۲۷	دیدگاه‌های جامعه‌شناسانه در مورد دوران کودکی
۲۲۹	نوجوانی
۲۳۰	زنان جوان و تمایلات جنسی
۲۳۱	جوانان در بریتانیا
۲۳۳	نوجوانی، فرهنگ جوانان و تغییرات اجتماعی
۲۳۷	تفاوت‌های جنسیتی در ادبیات و آموزش
۲۳۹	زنان جوان و فرهنگ مصرفی
۲۴۰	بزرگسالی
۲۴۱	بزرگسالی و تفاوت جنسی
۲۴۲	بزرگسالی و بدن
۲۴۴	زنان و مادری
۲۴۶	سالمندی
۲۴۸	دیدگاه‌های فمینیستی در مورد سالمندی
۲۴۹	جمعیت‌های سالمند
۲۵۵	نتیجه

## ۲۵۹ فصل ششم: خانواده و خانوار

۲۶۲	رویکردهای جامعه‌شناسانه در مورد خانواده
۲۶۴	رویکردهای کارکردگرایی
۲۶۵	رویکردهای متعارض



۲۶۶	خانواده متقارن
۲۶۷	رویکردهای فمینیستی در مورد خانواده
۲۶۹	صنعتی شدن و ریشه‌های درآمد خانواده
۲۷۴	تنوع در اشکال خانواده و امور خانگی
۲۷۵	اندازه و ترکیب خانوار
۲۷۵	همزیستی و ازدواج
۲۷۸	طلاق
۲۷۹	تولد خارج از ازدواج
۲۸۰	تک‌والدی‌ها
۲۸۰	مادران شاغل
۲۸۳	ایدئولوژی خانوادگی
۲۸۵	تجارب جنسیتی از زندگی خانوادگی
۲۸۸	روابط قدرت و پول
۲۹۱	ازدواج سنتی و اشکال خانواده مردسالار
۲۹۲	خشونت در خانواده‌ها
۲۹۴	تقسیم کار خانگی
۲۹۷	والدگری
۳۰۳	نتیجه

## **فصل هفتم: بهداشت، بیماری و مراقبت**

۳۰۷	زنان و پزشکی
۳۱۱	زنان و نابرابری‌های بهداشتی
۳۱۴	زنان و نابرابری‌های بهداشتی
۳۲۳	پزشکی بیماری‌زا
۳۲۸	جنسیت، قدرت و علم پزشکی
۳۲۸	تصورات پزشکی از زنان
۳۳۲	زنان، پزشکی و تولیدمثل
۳۳۸	زنان، سلامت و خشونت خانگی
۳۳۹	زنان؛ ارائه‌دهندگان مراقبت‌های بهداشتی
۳۴۰	زنان درمانگر، مردان متخصص
۳۴۴	پرستاران، ماماها و پزشکان مرد

۳۴۹	زنان، مادری و مراقبت غیررسمی
۳۵۱	نتیجه
<b>۳۵۳</b>	<b>فصل هشتم: روابط جنسی</b>
۳۵۶	رویکردهای ذات گرایانه در مورد تمایلات جنسی
۳۶۲	روابط جنسی مدرن
۳۶۴	رویکردهای جامعه‌شناختی در مورد تمایلات جنسی
۳۶۸	رویکرد پسامدرن به تمایلات جنسی
۳۷۶	رویکردهای فمینیستی در مورد تمایلات جنسی
۳۸۰	تجارب جنسی زنان و نگرش‌ها
۳۸۵	تمایلات جنسی و روابط قدرت
۳۸۵	تمایلات جنسی و ستم
۳۹۶	تمایلات جنسی، لذت و مقاومت
۳۹۸	بی‌بندوباری زنان
۳۹۹	ابتدال
۴۰۱	فضاها و روستاهای همجنس‌گراها (مردان)
۴۰۳	نژاد، قومیت و تمایلات جنسی
۴۰۵	تمایلات جنسی و ایدز
۴۰۷	نتیجه
<b>۴۱۱</b>	<b>فصل نهم: اشتغال و سازمان</b>
۴۱۵	ایدئولوژی جنسیت و تقسیم جنسی بازار کار
۴۱۸	صنعتی شدن و سازمان جنسیتی کار
۴۲۳	تقسیم جنسیتی کار خانگی
۴۲۶	تبیین تقسیم کار خانگی
۴۲۸	مراقبت و حمایت
۴۳۱	مردان، زنان و بازار کار
۴۳۱	تقسیم بندی شغلی
۴۳۵	الگوهای جنسیتی کار
۴۴۱	شکاف جنسیتی دستمزد

۴۴۳	جهت‌گیری زنان نسبت به کار
۴۴۶	جنسیت و بیکاری
۴۴۸	مطالعات فمینیستی در مورد محیط کار
۴۴۸	مطالعات فمینیستی از کار در کارخانه
۴۵۱	مطالعات فمینیستی از کارهای مراقبتی
۴۵۲	مطالعات فمینیستی در مورد مشاغل اداری
۴۵۵	مطالعات فمینیستی در مورد کارهای خدماتی
۴۵۸	مردانی که «کارهای زنانه» انجام می‌دهند
۴۶۲	جنسیت و تخصص
۴۶۸	کارهای مدیریتی
۴۷۳	تمایلات جنسی و کار
۴۷۵	تبیین بازار کار جنسیتی
۴۷۸	ماهیت متغیر کار
۴۸۲	تقسیم کار جهانی
۴۸۳	نتیجه

<b>۴۸۷</b>	<b>فصل دهم: جرم، خشونت و عدالت کیفری</b>
۴۸۹	توصیف جرم: زنان به عنوان مجرمان
۴۹۲	مردان، زنان و جرم
۴۹۸	ضرورت وجود نظریه فمینیستی
۵۰۰	نظریه‌های فمینیستی در مورد جرم
۵۰۳	نظریه آشفتگی
۵۰۴	پیوند افتراقی
۵۰۵	جرم‌شناسی انتقادی (مارکسیست)
۵۰۶	نظریه برچسب‌زنی
۵۰۹	نظریه کنترل اجتماعی
۵۱۱	دیدگاه فمینیسم رادیکال در مورد جرم
۵۱۲	خشونت، ترس و کنترل اجتماعی
۵۱۴	جرایم علیه زنان
۵۱۹	تجاوز
۵۲۷	حمله به همسر و شریک زندگی

۵۳۴	زنان، خشونت و قدرت مردانه
۵۳۸	نتیجه
<b>۵۴۱</b>	<b>فصل یازدهم: سیاست</b>
۵۴۴	مردان، زنان و مطالعات رأی‌گیری
۵۴۸	تعریف سیاست فمینیستی
۵۵۰	فعالیت سیاسی فمینیست
۵۵۶	زنان و دولت
۵۵۷	زنان، خانواده و مراقبت
۵۶۰	زنان و فقر
۵۶۴	نتیجه
<b>۵۶۷</b>	<b>فصل دوازدهم: رسانه‌های جمعی و فرهنگ عمومی</b>
۵۷۶	«فرهنگ»: تاریخچه مختصری از مفهوم فرهنگ
۵۷۸	جامعه‌شناسی فرهنگ و ظهور مطالعات فرهنگی
۵۸۱	مطالعات فرهنگی به عنوان مطالعات ایدئولوژی
۵۸۲	نظریه مارکسیستی از ایدئولوژی
۵۸۳	گرامشی و هژمونی
۵۸۴	ساختارگرایی و ایدئولوژی
۵۸۵	مطالعه فرهنگ رسانه‌ای
۵۸۶	تحلیل محتوا
۵۸۷	نشانه‌شناسی
۵۹۰	دیدگاه‌های جامعه‌شناسانه در مورد فرهنگ رسانه
۵۹۱	مکتب فرانکفورت و نقد فرهنگ جمعی
۵۹۴	نظریه مک‌دونالدسازی
۵۹۷	مرکز مطالعات فرهنگی معاصر (CCCS) و ضد هژمونی
۵۹۸	مطالعات فهم مخاطب
۶۰۰	فرهنگ جوانی و طغیان
۶۰۶	اشکال فرهنگی پسامدرن
۶۰۹	نقد فمینیستی از مطالعات فرهنگی

۶۱۶	مطالعات فمینیستی فرهنگ رسانه
۶۱۷	جنسیت و تبلیغات
۶۲۱	مجلات مربوط به زنان
۶۲۳	زنان و نمایش‌های تلویزیونی
۶۲۶	خواندن داستان‌های تخیلی عاشقانه
۶۲۹	مردانگی و رسانه
۶۳۴	دیدگاه‌های فمینیستی در مورد زبان
۶۳۵	زبان به مثابه امری ساخته مردان
۶۳۹	نقد فمینیستی از زبان ساخته مردان
۶۴۰	جنسیت و چرخش زبانی
۶۴۲	فناوری‌های رسانه‌ای جدید و فمینیسم سایبری
۶۴۵	نتیجه

<b>۶۴۹</b>	<b>فصل سیزدهم: دانش فمینیستی</b>
۶۵۵	تحقیقات فمینیستی در حال انجام
۶۶۲	معرفت‌شناسی فمینیستی
۶۶۴	تجربه‌گرایی فمینیستی
۶۶۷	معرفت‌شناسی نظریه فمینیستی دیدگاه
۶۷۲	فمینیست سازه‌انگار
۶۷۶	معرفت‌شناسی‌های فمینیستی پسامدرن
۶۸۲	جوامع معرفتی
۶۸۵	نتیجه

<b>۶۸۹</b>	<b>فهرست منابع</b>
------------	--------------------



# پیش‌گفتار

## (مترجمان)

فمینیسم به عنوان جنبش دفاع از حقوق زنان و بهبود وضعیت آنان در سراسر جهان، سال‌هاست که طنین‌انداز محافل علمی است. این جنبش که در ابتدا با شعار احقاق حقوق زنان، منع بردگی زنان و دستیابی به حقوق برابر و حقوق مدنی یکسان شکل گرفت، بعدها با تکه‌تکه شدن نظریه پردازان و آرای این جنبش، ورود تحسین برانگیز خود به مباحث زنان را با گرایش‌های مختلفی که بعدها شکل گرفت، خدشه‌دار ساخت. در واقع می‌توان گفت فمینیسم موجب شد تا همه در پی پاسخ به این سؤال باشند که «چرا زن مسئله شد؟» این جنبش در طول حیات خود، به زمان در امر زنان توجه داشت و شاید همین امر موجب شد که رویکردهای مختلفی در بدنه این جنبش رشد یابند. آن سوی دیگر داستان، حکایت افرادی است که اینک بعد از گذشت بیش از سه قرن از عمر فمینیسم، آن را فرتوت توصیف کرده و در تلاش‌اند فمینیسم را مرده تلقی کنند. این گروه افراد نه روشنفکر هستند و نه سنتی، شاید بتوان گفت آنان دو دسته‌اند: افرادی که وامدار تاریخی هستند که بیشترین پیشرفت را ظاهراً در زندگی زنان دیده است و اینک نیازمند

زمانی است که خستگی مسیر طی شده را از خود بزادید، یا افرادی هستند که فمینیسم را در ادعای بهبود وضعیت زنان چندان صادق نیافتند.

وجود رویکردهای متفاوت و گاه متعارض فمینیستی موجب شده که برخی از نویسندگان همچون نویسندگان کتاب حاضر، آن را به عنوان مشکل اصلی وحدت و ناکامی فمینیسم در پوشش آرمان‌های خود توصیف کنند. از سوی دیگر شاید بتوان وجود رویکردهای مختلف فمینیستی را به مثابه آخرین تلاش‌های فمینیسم در بیان کارآمدی و کارایی اش دانست.

به هر حال با مطالعه کتاب حاضر، به نظر می‌رسد فمینیسم دست روی موضوع خوبی گذاشته و می‌خواهد از بهترین مسیر ممکن به سؤال «چرا زن مسئله شد؟» پاسخ دهد. چنانکه ما نیز بر آن اذعان داریم و معتقدیم فمینیسم در تشخیص این هدف موفق بوده است. اما اینکه چرا جامعه‌شناسی در مقایسه با سایر علوم انسانی، توانسته بهترین پاشنه آشیل فمینیسم باشد، پرسشی است که بعد از مطالعه این کتاب، مخاطب با ارزیابی و فهم خود به آن پاسخ خواهد داد؛ بنابراین پاسخ این سؤال را به افرادی واگذار می‌کنیم که با حوصله و دقت تمام این کتاب را مطالعه می‌کنند.

این کتاب در سال‌های ۱۹۹۰، ۱۹۹۷ و ۲۰۰۵ با سه ویرایش مختلف توسط راتلیج منتشر شده است، ترجمه حاضر، از ویرایش سوم این کتاب است که در واقع به طور قابل توجهی با دو ویرایش قبلی متفاوت بوده و انقلاب فکری و بینشی نویسندگان را در طرح و بحث از فمینیسم نشان می‌دهد، قابل ذکر است که در ویرایش حاضر، نویسنده دیگری به گروه نویسندگان کتاب اضافه می‌شود، که در نگرش جدید در این کتاب بی‌تأثیر نبوده است. از این رو به نظر ما در مجموع می‌توان گفت که:

۱. بخش‌های مختلف کتاب به این امر اذعان دارد که فمینیسم همیشه و لزوماً همه جا آثار مثبتی برای زنان نداشته، ایده فمینیسم بدون مرز بر مبنای تجربه مشترک زنان از ستم نیز نمی‌تواند معطوف به هدف باشد؛ چرا که در همین امر نیز زنان تجربه یکسان و تعریف مشابهی ندارند.
۲. برخی از گروه‌ها و طیف‌های زنان در کشورهای مختلف، نه تنها فمینیسم را مسیر نجات خود نمی‌دانند، بلکه ناکارآمدی فمینیسم را بیشتر باور داشته و



ایده فمینیسم بدون مرز را تلاشی در جهت استیلای غرب بر غیرغرب می‌دانند.

۳. نویسندگان تلاش کردند تا تلویحاً یا صراحتاً بگویند که فمینیسم مخالف یا ضد مرد نیست بلکه تلاش دارد زنان را از ظلم و ستم نجات دهد. از نگاه آنان ضدیت با مردان در برخی از نحله‌های فمینیستی، موجب شده تا مردان از یاری فمینیسم دست بردارند.

۴. نویسندگان کتاب سعی کردند صرفاً آرای فمینیستی را روایت نکنند، بلکه به همان میزان تلاش کردند نگاه‌های منتقدانه را در ادبیات فمینیست سهیم سازند تا مخاطبان با آگاهی بیشتری قضاوت و ارزیابی کنند.

۵. همان‌طور که نویسندگان کتاب گفتند «در طول نوشتن این کتاب چیزهای بسیاری یاد گرفتیم و از فرایند آماده‌سازی آن لذت بردیم» ما نیز در مسیر ترجمه این کتاب، چیزهای زیادی آموختیم و لذت بردیم.

۶. در ترجمه کتاب سعی کردیم برای فهم بهتر مباحثی که از منابع دیگر نقل شده، به منبع اصلی مراجعه کنیم تا با درک کامل بحث، متن را ترجمه کنیم، البته منابعی که به طرق مختلف از طریق برخی از سایت‌ها یا نسخه‌های الکترونیکی آن‌ها در دسترس بوده است.

ترجمه این کتاب از بهمن ۱۳۹۴ آغاز شد، تمام فصول با دقت و حساسیت خاصی ترجمه شده است، بیش از سه بار کل کتاب با دید انتقادی از ترجمه، مطالعه و ویرایش شده است. دوبار کل ترجمه با متن تطبیق داده شده، هرچند که تطبیق و ویرایش بیش از ۲۰۰۰۰۰ کلمه متن ترجمه شده، کاری طاقت‌فرسا و زمان‌بر بود، با این وجود، این ادعا را نداریم که متن ترجمه شده خالی از اشکال و اشتباه هست، هرچند تمام تلاش در راستای آن بوده است.

بهار ۱۳۹۶

منصوره زارعان، خدیجه برزگر



# پیش‌گفتار

## (نویسندگان)

از نگاه فمینیسم، قرن بیستم – حداقل در بریتانیا – با گرفتن حق رأی برای زنان آغاز و با ظهور گروه موسیقی اسپایس گرلز<sup>۱</sup> و تصور کلی مبنی بر اینکه «فمینیست به هدف خویش رسیده است و حالا باید برود» – همان‌گونه که جرمن‌گیر<sup>۲</sup> اظهار داشته است – پایان یافت. فمینیسم در سال‌های میانی به موفقیت‌های بسیاری دست یافت که موقعیت اجتماعی سیاسی زنان را به‌طور کلی تغییر داد. به‌ویژه در دههٔ آخر نظریهٔ فمینیستی سهم قابل توجهی در بازاندیشی در شیوه‌های معنادارسازی جامعه در ابعاد مختلف داشته است. با وجود این بسیاری از پسا فمینیست‌ها بر این باورند که فمینیسم به اهدافش رسیده است و بنابراین از نگاه سیاسی و نظری با توجه به تنوع زنانگی از آن استقبال نمی‌شود؛ یا اینکه فمینیست‌ها در جهت دستیابی به منافع زنان «زیاده‌روی» کرده‌اند که این امر باعث «پس‌زنی» جنسیتی شده است. برخی دیگر ادعا کرده‌اند که فمینیست‌ها در

- 
1. Spice Girls
  2. Germaine Greer

مورد نابرابری‌های اجتماعی تلاش کافی نکرده‌اند، یعنی تمرکز موفقیت‌های به دست آمده نیز بیشتر بر زنان طبقه متوسط جامعه و زندگی زنان سفیدپوست متخصص غربی بوده است؛ بنابراین در حال حاضر، فمینیسم (از جمله جامعه‌شناسی فمینیستی) از بسیاری جهات به کاری شبیه ارزیابی و پیگیری سرگرم است، درحالی که به برخی از سؤالات انتقادی نیز توجه دارد از جمله این سؤال که فمینیسم چگونه همزمان با بررسی ارتباط پروژه فمینیستی در آغاز قرن بیست و یکم و حفظ مفهوم اشتراک، تجارب متنوع زنان را مورد خطاب قرار می‌دهد؟

درست زمانی که از این بحث خارج شویم و فمینیسم و ارتباط آن با جامعه‌شناسی را در کلیت اجتماعی وسیع‌تری قرار دهیم، ارتباط فمینیسم با جامعه‌شناسی، هم به عنوان یک التزام سیاسی و هم التزام نظری و همچنین مرکزیت فمینیسم برای جامعه‌شناسی محرز خواهد شد.

همان‌گونه که گوران تربورن<sup>۱</sup> (۲۰۰۴: ۱۷) در بحث خود در مورد مردسالاری در طول قرن بیستم به آن اشاره می‌کند «در ابتدای داستان ما جوامع بسیاری به وضوح مردسالار بوده‌اند». او اظهار می‌کند در طول قرن گذشته در بسیاری از جوامع مردسالاری مجبور به عقب‌نشینی شد. فرایندی که او آن را «زدودن مردسالاری»<sup>۲</sup> نامیده است (ص ۷۳). در اکثر کشورها حقوق قانونی زنان و دختران بهبود یافته است. تحصیلات بیشتر و توسعه فرصت‌های شغلی از جهات زیادی باعث افزایش استقلال زنان شده است. تغییرات اجتماعی-اقتصادی، سیاسی و فرهنگی قابل توجه منجر به کاهش سلطه همسران و پدران و همچنین کاهش قدرت مردان بر زنان به عنوان یک گروه گردید. با این حال فرایند «زدودن مردسالاری» به هیچ عنوان فرایند یکنواختی نبوده است. همان‌طور که تربورن اظهار داشته «مهم‌ترین ویژگی تغییر مردسالاری قرن بیستم، روند جهانی آن نبوده است» (ص ۱۲۹). این بدان معناست که مردسالاری در بسیاری از مناطق جهان وجود دارد. جنوب و غرب آسیا و مناطق شمالی و جنوبی صحرای آفریقا نمونه‌های قابل توجه این

---

1. Goran Therborn  
2. De-Patriarchalization

مناطق هستند. همان‌گونه که او اظهار داشته در این مناطق از جهان حضور مردسالاری و زن‌ستیزی در طبقه‌بندی‌های اجتماعی و دین از طریق مناسک مذهبی و احکام ناپاکی و پاکی، برای مردسالاری تکیه‌گاه محکم اجتماعی فراهم آورده است که چنین تکیه‌گاهی برای بروکراسی سکولار و گفتمان حقوق برابر تا حد زیادی غیرقابل دسترس است (تربورن، ۲۰۰۴: ۱۱۲).

حتی در آن جوامع غربی که با لزوم تعهد به برابری شکل گرفته‌اند مبالغه نیست که بگوییم در همه جوانب زندگی، بین مردان و زنان تفاوت وجود دارد. ژان موریس<sup>۱</sup> که ابتدا یک روزنامه‌نگار مرد با نام جیمز موریس بود و در سن ۳۰ سالگی تغییر جنسیت داد و زن شد، برخی از تجارب زندگی‌اش را — هم در دوران مرد بودن و هم در دوران زن بودنش — در کتابی با عنوان «معما» گردآوری کرده است.

گفته می‌شود که فاصله اجتماعی بین دو جنس در حال کم شدن است، اما من تنها می‌توانم بگویم که — در نیمه دوم قرن بیستم — با تجربه زندگی در هر دو جنس، از نظر من هیچ جهتی در جهان، هیچ لحظه‌ای از روز، هیچ تماسی، هیچ نظم و قانونی، هیچ پاسخ و عکس‌العملی وجود ندارد که برای مرد و زن متفاوت نباشد (موریس، ۱۹۹۷: ۱).

اما همان‌طور که فمینیست‌ها نشان می‌دهند، تجارب مردان و زنان از جهان اجتماعی تنها از طریق تفاوت شکل نمی‌گیرد بلکه از طریق سلسله مراتبی از تفاوت‌هایی شکل می‌گیرد که فمینیست‌ها آن را «نظام جنسیتی»<sup>۲</sup> نامیده‌اند. این بدان معناست که اکثر جوامع برای مردان و مردانگی ارزش بیشتری نسبت به زنان و زنانگی قائل هستند. رابطه بین مردان و زنان تنها از طریق تفاوت شکل نمی‌گیرد، بلکه این نابرابری است که این رابطه را شکل می‌دهد. نتایج حاصل از این فرایند توسط کمیته عفوبین‌الملل سازمان ملل متحد در مورد ماهیت جهانی تبعیض علیه زنان به این صورت بیان شده است:

در جای جای جهان زنان و دختران در معرض خشونت‌های وحشتناکی قرار

---

1. Jan Morris

2. Gender order

دارند؛ تبعیضات سیستماتیک و دیگر استفاده‌های حقوق بشری. زنان در خانه‌هایشان مورد ضرب و شتم قرار گرفته و به قتل می‌رسند. در اجتماعات مورد حمله و در جنگ مورد تجاوز و وحشیگری قرار می‌گیرند، به عنوان پناهنده حق ورود به کشور به آن‌ها داده نمی‌شود. از حق آموزش و اشتغال محروم می‌شوند، و از حضور در زندگی اجتماعی محروم شده و مورد استثمار قرار می‌گیرند، تنها به خاطر جنسیتشان (عفوبین‌الملل، ۲۰۰۲: ۳).

با آگاهی از این مسئله که زندگی بسیاری از افراد (مخصوصاً آن‌هایی که در غرب زندگی می‌کنند) در سال‌های اخیر به طور قابل توجهی بهبود یافته، اما این مسئله در مورد اکثر زنان جهان که ما در این نسخه از کتاب «دیباچه‌ای بر جامعه‌شناسی؛ رویکردهای فمینیستی» به آن پرداخته‌ایم، این‌گونه نبوده است. در یک دهه یا بیشتر از زمان ویرایش اول کتاب، مناظرات درون فمینیستی و درون جامعه‌شناختی به طور چشمگیری افزایش یافته است. زمانی که ویرایش دوم کتاب در سال ۱۹۹۷ به چاپ رسید، به نظر می‌رسید که مباحث پیرامون پسا مدرنیسم و فرهنگ رسانه مسائل مرتبط با کار، خانواده و طبقه اجتماعی و تا اندازه‌ای خود فمینیست را جایگزین مسائل مربوط به مشاغل سنتی تر و اجتماعی ترک کرده‌اند. در سال‌های میانی تحقیقات فمینیستی تعهداتشان را به این حوزه‌های کلیدی از جامعه‌شناسی نشان داده و همزمان شیوه‌های نوینی در اندیشه و تعمق پیرامون موضوعات موجود را ایجاد کردند. نظرات سیاه‌پوستان و دیدگاه‌های پسااستعماری در زمینه‌هایی چون موضوعات سنتی جامعه‌شناختی از جمله طبقه اجتماعی، خانواده و تقسیم جنسیتی اشتغال مورد استقبال قرار گرفت.

موضوع اصلی کتاب به بحث ارزیابی جامعه از دیدگاه زنان که منجر به طرح‌ریزی نوینی از تمایزات سنتی جامعه‌شناسی شده، می‌پردازد، برای مثال تمایز بین کار و خانواده یا بین جرائم خشونت‌آمیز و تمایلات جنسی. در حال حاضر به تبع پژوهش‌های فمینیستی طبقه‌بندی جدید و تا اندازه‌ای تجاوز از مرزهای قبلی موجود میان رشته‌های علمی و درون رشته‌ها شکل گرفته است. همچنین ایده دیدگاه واحد زنان به چالش کشیده شده و در مقابل بر انواع تجارب و دیدگاه‌های زنانه تأکید می‌شود. بسیاری از موارد در ویرایش اول و دوم با هم ارتباط دارند اما در ویرایش سوم، تغییر در پارامترها و علایق فمینیست‌ها

و همچنین گروه‌های مختلف زنان و مردان را مورد توجه قرار داده‌ایم، داده‌های تجربی را بروزرسانی کرده‌ایم و مواردی از مباحث و مسائل جدید که دیدگاه‌های فمینیستی در آن سهم قابل توجهی داشته را بیان کرده‌ایم. برای ما باوریم که اگرچه تفاوت‌های مهمی در تجارب زنان وجود دارد با این حال اشتراکاتی مهمی نیز هست؛ با اذعان به مشارکت دانشمندان پسامدرنیسم در مطالعه جنسیت نشان خواهیم داد که جامعه‌شناسی به عنوان یک رشته مهم می‌تواند به شفاف‌سازی موقعیت زنان کمک کند و اینکه جامعه‌شناسی فمینیستی هنوز هم سهم مهمی در اظهار نظر دارد. اما این سهم به هیچ وجه به طور کلی به رسمیت شناخته نشده است. ما در اینجا از واژه «فمینیست» برای اشاره به افرادی استفاده می‌کنیم که زنان را استعمار شده، بی‌ارزش شده و مورد ظلم و ستم می‌بینند و متعهد شده‌اند تا این وضعیت را تغییر دهند و در نتیجه نسبت به سنت‌های فکری حاکم (غالب)، وضعیت سازمان‌های اجتماعی و سیستم باورهای فرهنگی که سرکوب علیه زنان را نادیده گرفته یا آن را توجیه می‌کنند، دیدگاهی انتقادی دارند. موضع ما به عنوان جامعه‌شناسان فمینیستی به این جهت مشکل‌ساز است که دیدگاه انتقادی ما دیدگاهی جامعه‌شناختی است، اما ما به عنوان فمینیست به خود جامعه‌شناسی نیز به دلیل استفاده از روش‌هایی که از طریق آن زنان را به حاشیه می‌برند و دیدگاه‌های زنان و فمینیسم را نادیده می‌گیرد، انتقاد داریم.

جامعه‌شناسان در حال حاضر - در واقع - برخی از انتقادهای فمینیستی در مورد جریان مردم‌محور موجود را پذیرفته‌اند. اما هنوز هم استدلال‌های فمینیستی در بسیاری از حوزه‌های اندیشه جامعه‌شناختی نادیده گرفته شده یا به حاشیه رانده شده است. هرچند که تأثیر فمینیسم بر جامعه‌شناسی بیش از هر رشته دیگری بوده است، اما هنوز هم مفهوم‌سازی دوباره این رشته - که با پذیرش نقد فمینیستی الزام آور شده و بحث آن در آینده خواهد آمد - در بسیاری از حوزه‌های جامعه‌شناسی بخصوص در نظریه جامعه‌شناسی اتفاق افتاده است. علی‌رغم گسترش مطالعات فمینیستی در طول سی سال گذشته در زمینه جامعه‌شناسی، تأثیر این مطالعات پیوسته نبوده است. به همین جهت کتاب ما هنوز هم به عنوان تنها تفسیر/تحلیل فمینیستی و به عنوان منبعی اصلاحی برای دیگر کتاب‌های درسی مقدماتی در زمینه جامعه‌شناسی است.

اولین ویرایش این کتاب درسی، از دیدگاهی بریتانیایی نوشته شده بود. ما عده‌ای از جامعه‌شناسان بریتانیایی بودیم که زندگی کاری خویش را در بریتانیا سپری کرده بودیم و تا حد زیادی پروژه‌های تحقیقاتی بریتانیا را گزارش می‌کردیم. با این حال این کتاب درسی در بسیاری از کشورهای جهان مورد استفاده قرار می‌گیرد و به چندین زبان ترجمه شده است. افزون بر این در طول بیش از ده سال گذشته جامعه‌شناسی بریتانیا در مورد نژادپرستی خویش تأمل نموده است. ما به منظور توجه به طیف گسترده خوانندگان و همچنین تغییرات در اندیشه جامعه‌شناسی و اندیشه فمینیستی، با ترکیب طیف وسیعی از ادبیات بین‌الملل و داده‌های تجربی و همچنین از طریق بازاندیشی در دیدگاه‌های خودمان به دنبال معرفی یک دیدگاه تطبیقی در ویرایش سوم این کتاب بوده‌ایم.

نتیجتاً این کتاب برای دانشجویان و به‌طور کلی برای خوانندگانی که علاقه‌مند به درک سهم فمینیسم در جامعه‌شناسی هستند، دیباچه‌ای را در زمینه دیدگاه‌های فمینیستی در جامعه‌شناسی فراهم کرده که به‌طور مستقل یا در کنار دیگر کتاب‌های مقدماتی معمول مورد استفاده قرار می‌گیرد. به آن گروه از خوانندگانی که تمایل دارند دیدگاه‌های فمینیستی را در فهم جامعه‌شناختی‌شان دخیل سازند، پیشنهاد می‌کنیم که فصل مناسب (با علاقه) خود را پس از مطالعه فصل مرتبط در کتاب درسی معمولی خود مطالعه نمایند. لازم نیست فصل‌های این کتاب را به ترتیب مطالعه کنید. اگرچه پیشنهاد می‌کنیم که ابتدا فصل اول و دوم را مطالعه کنید؛ چرا که این دو فصل دیدگاه گسترده‌ای را هم از نقد فمینیست‌ها از جامعه‌شناسی جریان مردم‌محور ارائه می‌کنند و هم نگاهی کلی نسبت به دیدگاه‌های نظری فمینیست‌ها را ایجاد می‌کنند. بعد از مطالعه این دو فصل می‌توانید با توجه به علاقه خود یا با در نظر گرفتن سرفصل‌های برنامه درسی خود فصل‌های مربوطه را مطالعه کنید.

البته ما این کتاب را نه گزارشی «حقیقی» و کلی از واقعیت اجتماعی می‌دانیم و نه خود را دانشمندان بی‌طرفی می‌دانیم که تنها به بازگویی پژوهش‌های دیگران می‌پردازند و نه ادعای این را داریم که بررسی‌هایی که از مفاهیم و موضوعات و مباحث جامعه‌شناختی انجام داده‌ایم بی‌نقص و جامع است. هر دانشی نسبی و موقتی است و این مسئله به



همان اندازه که در مورد دانش جریان مردسالار صادق است در مورد دانش فمینیسم هم صحت دارد. فمینیسم یک دیدگاه نظری درون جامعه‌شناسی نیست بلکه طیف گسترده‌ای از دیدگاه‌ها و ایده‌های پیچیده و غالباً متناقض را دربردارد. دانش فمینیسم با این ادعا که نظریه‌ها، روش‌ها و توصیفات جامعه‌شناختی، مفروضات نظری و بنیادین پژوهش‌های جریان مردم‌محور را به چالش کشیده، سهم مهمی در جامعه‌شناسی داشته است. ما در این کتاب به بسط و توضیح این استدلال پرداخته‌ایم.

فمینیسم یک جنبش واحد و یکپارچه نیست. علی‌رغم اینکه فمینیست‌ها به طور کلی اتفاق نظر دارند که زنان تابع مردان هستند و طرح استراتژی‌هایی به منظور رهاسازی آنان از این تابعیت ضروری است، اما اختلافاتی اساسی در مورد علل این ظلم و ستم و اتخاذ استراتژی‌هایی برای دستیابی به آزادی وجود دارد. حتی در مورد اینکه اندیشه و تفکر فمینیستی چیست، در واقع زنان چه هستند (یا اینکه آیا می‌توان زنان را به عنوان یک طبقه خاص تلقی کرد - مسئله‌ای که ما در طول مباحث این کتاب به بررسی آن خواهیم پرداخت) اختلاف نظر وجود دارد. فمینیست‌های بسیاری وجود دارند. در این کتاب سعی کرده‌ایم که به توصیف برخی از نظریه‌های اصلی مرتبط با جامعه‌شناسی بپردازیم، اما به ناچار برخی از نظریه‌های فمینیستی - مانند نظریه‌های روانکاوانه و نظریه ادبی فمینیستی - که سهم بزرگی در فهم تجارب زنان داشته‌اند را مورد بررسی قرار ندادیم.

مشکل تمایز بین دیدگاه‌های مختلف فمینیستی صرفاً یک مسئله آکادمیک نیست بلکه یک مشکل شخصی نیز هست. ما باید هویت خودمان را نیز بشناسیم. در آخرین ویرایش این کتاب، ما خود را فمینیست‌های مارکسیستی معرفی کرده‌ایم که از فمینیست‌های سوسیالیست بودند - فمینیست‌هایی که معتقدند طبقه و جنسیت به یک اندازه در شکل دهی تجارب ما از جهان اجتماعی و همچنین چگونگی معنابخشی ما از آن تجارب نقش دارند. این بر شیوه تفسیر ما از موضوعاتی که در این کتاب مورد بررسی قرار گرفته تأثیر گذاشته است. از آن پس ما تحت تأثیر انتقادهای پسا ساختارگرایان و پسا مدرنیسم از نظریه‌های مدرنیسم و نظریه‌های مرتبط با آن قرار گرفتیم. همچنین از ادعای فمینیست‌های سیاه‌پوست و پسااستعمار مبنی بر اینکه

فمینیست‌های غربی در بررسی زندگی زنان قوم‌مدارانه عمل کرده‌اند، متأثر بودیم. موضع حال حاضر ما بیشتر یک موضع التقاطی است. درحالی‌که هنوز هم وجود یک دیدگاه انتقادی اساسی دربارهٔ جامعه، جامعه‌شناسی و بر مسئله تفاوت جنسی (تفاوت بین مردان و زنان) را ضروری می‌بینیم، و تمایل داریم که تنوعی از دیدگاه‌های نظری را به کار بگیریم با استدلال به اینکه همه این دیدگاه‌ها در فهم ما از جهان اجتماعی سهیم‌اند. با توجه به این مسئله که برخی از دیدگاه‌ها با یکدیگر ناسازگارند (برای مثال دیدگاه کارکردگرایی ساختاری و پسامدرنیسم) استدلال خواهیم کرد که مسئله مهم، فهم و درک است نه خلوص نظریه؛ بنابراین این کتاب در مستندسازی این مسئله که چگونه جامعه‌شناسی فمینیستی می‌تواند ما را در درک بهتر از زندگی توانا سازد، نقش بسزایی دارد.

آگاهی شما خوانندگان از موضع ما، مسئله مهمی است. به نظر ما امکان ندارد که ما خودمان را از دیدگاه‌های نظری مان جدا کنیم و صرفاً به صورت بی‌طرفانه استدلال‌های فمینیستی، یافته‌ها و دستاوردهای تحقیقاتی آنان را گزارش کنیم. مهم است که بدانید ما بی‌طرف نیستیم و نظرم‌ان این است که بی‌طرف بودن نه ممکن است و نه مطلوب. مهم است که شما خواننده عزیز این عدم بی‌طرفی را زمانی که ما پژوهش‌های دیگر فمینیست‌ها را ارزش‌گذاری می‌کنیم در ذهن داشته باشید.

درحالی‌که دیدگاه‌های فمینیستی در سال‌های اخیر تأثیر قابل توجهی بر جامعه‌شناسی مخصوصاً در زمینه ملاحظات جامعه‌شناختی در موضوعاتی چون بدن، جنسیت، فرهنگ و شیوه و سبک زندگی داشته است، اما مباحث اخیری که نظریه فمینیستی در آن ورود داشته به طور گسترده‌ای در کنفرانس‌های آکادمیک یا در صفحات مجلات علمی واقع شده است. در ویرایش سوم هدفمان این بوده که با یکپارچه‌سازی آن در چهارچوب نسخه بازنگری شده و به‌روز شده موجود، خلاصه‌ای از حضور فعال علمی اخیر را به نمایش بگذاریم به این امید که این کتاب هم در دسترس طیف گسترده‌ای از مخاطبان قرار بگیرد و هم اینکه تأثیرگذار باشد؛ بنابراین هدف این است که این نسخه بروز شده نه تنها از نظر پوشش موضوعات جامعه‌شناختی (این نسخه شامل دو فصل

جدید در زمینه تمایلات جنسی و فرهنگ رسانه است) بلکه از نظر در برداشتن طیف وسیعی از دیدگاه‌های نظری و آثار تطبیقی که بیشتر آن‌ها توسط فمینیست‌ها و جامعه‌شناسان بین‌المللی نوشته شده نیز نسخه جامع‌تری را ارائه دهد. همچنین ما به این مسئله که نباید دانشجویان را در هر سطحی که هستند تشویق به تکیه بر یک کتاب درسی کرد، توجه داشته‌ایم. مسئله‌ای که بسیاری از دانشگاهیان آن را امری نامطلوب می‌دانند؛ بنابراین ویرایش سوم از نظر شمولیت سهم فمینیسم در جامعه‌شناسی، جامع‌تر و تطبیقی‌تر است؛ بر همین اساس درصدد ارائه یک چهارچوب راهنما به منظور تحریک و تشویق بیشتر برای مطالعه موضوعات خاص با توجه و دقت بیشتر است. به این منظور ما پیشنهادهای مشروحی را برای مطالعه بیشتر در این کتاب ارائه کرده‌ایم.

امیدواریم از خواندن این کتاب لذت ببرید و از آن بیاموزید، ما در طول نوشتن این کتاب چیزهای بسیاری یاد گرفتیم و از فرایند آماده‌سازی آن لذت بردیم. فمینیسم و جامعه‌شناسی صرفاً موضوعاتی آکادمیک برای یادگیری نیستند بلکه روش‌هایی هستند که ما از طریق آن جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنیم و موقعیت‌مان در آن جامعه را درک خواهیم کرد. امیدواریم این کتاب انگیزه‌ای باشد برای نگاهی نوبه جهان و بینش تازه‌ای را در شما به وجود بیاورد.

